**بسم الله الرحمن الرحیم**

**سمانتیک «صلح» در ادیان الهی؛مطالعه موردیِ اسلام**

آرام باتوبه [[1]](#footnote-2)،مهدی قائد شرف[[2]](#footnote-3)

**چکیده**:

پرسش از معنای «صلح» یکی از گام های نخست برای برقراری صلح است. به بیان دیگر در نگاه اول، باید تعیین شود که گویندگان زبان درباره کدام معنای از «صلح» باید صلح کنند؟ این وظیفه را می توان از علم سمانتیک جویا شد. سمانتیک به ما می گوید که بر اساس نظریه های معناشناسانه چه معانی‌ای برای صلح می‌توان در نظر گرفت و دست کم کدام یک از این نظریات بر کدام یک برتری دارد.جستار حاضر تلاش می کند تا نخست از طریق ارتباط معنایی واژه صلح با عباراتی همچون«دعوت»،«سلم»،«اسلام»،«اصلاح»،«آشتی» و غیره به معنایی که کتاب قرآن برای این واژه بکار برده است نزدیک شود.رویکردی که در این جستار بکار رفته است مبتنی بر رویکردی است که توشی هیکو ایزوتسو[[3]](#footnote-4)،اسلام شناس و فیلسوف فقید ژاپنی، در کشف معانی اخلاقی قرآن آن را بکار برده است با این تفاوت که به جای استفاده از فهم عرفی در مقابل زبان منطقی، از نظریه تشکیکی و نظریه روح معنا برای پرهیز از مشکلات نظریه ایزوتسو استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:**

سمانتیک،نظریه روح معنا،نظریه نسبیت زبانی،فهم عرفی،صلح

1. .دانشجوی دکترای فلسفه علم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران a.batobeh@srbiau.ac.ir [↑](#footnote-ref-2)
2. .دکترای فلسفه تطبیقی دانشگاه علامه طباطبائی Mahdighaedsharaf33@gmail.com [↑](#footnote-ref-3)
3. . Toshihiko Izutsu [↑](#footnote-ref-4)